

کتاب هنوز زنده است

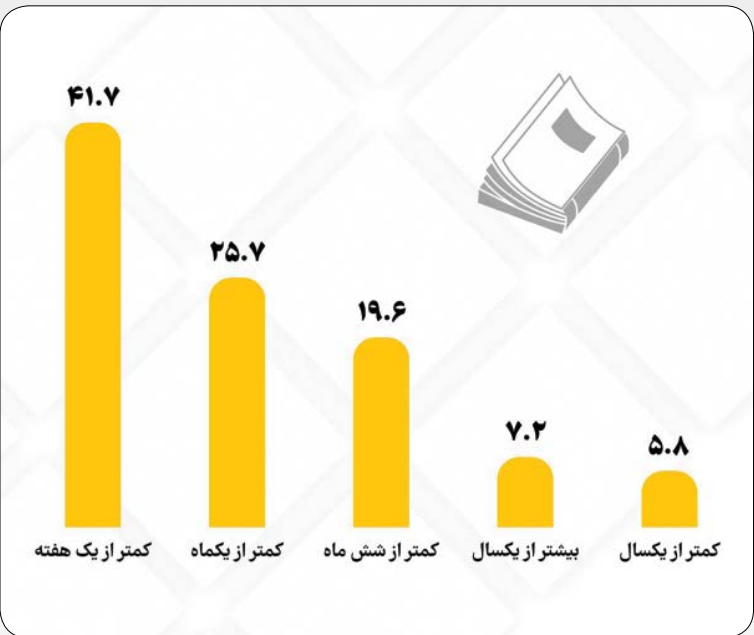
رقابت نابرابر فضای مجازی و کتاب به کجا می‌کشد؟

رفتار کتابخوان‌ها در سال‌های اخیر تحت تأثیر همه‌گیری کرونا، گسترش فضای مجازی و فشارهای اقتصادی، دستخوش تحولات اساسی شده است. پیش از این کتابخوانی نماد روشنفکری بود اما حالا برای عده‌ای به عادتی لوکس تبدیل شده است. گزارش یکی از آپ‌های کتابخوان نشان می‌دهد سرانه مطالعه دیجیتال ۱۰ دقیقه افزایش یافته و تعداد کتابخوان‌ها ۵۰ درصد رشد کرده با رکوردهایی مانند خرید ۱۸۵۶ کتاب توسط یک کاربر و کتابخانه شخصی ۱۹ هزار جلدی! این رشد، عمدتاً به کتاب‌های صوتی نسبت داده شده که ۱۷/۷ درصد ترجیحات را تشکیل می‌دهد. با این حال، کتاب کاغذی همچنان پیش‌تاز است (۸۱/۴ درصد) اما البرانی‌ها سه برابر بیشتر از کتاب، متون کوتاه در شبکه‌های اجتماعی می‌خوانند (۴۰/۷ دقیقه در روز برای مقالات و تحلیل‌ها). این تغییر، از مطالعه عمیق به محتوای فوری و رایگان، ناشی از کمبود وقت (۴۹/۷ درصد مواقع) و خستگی ذهنی است. ژانرها نیز دگرگون شده: رمان و داستان (۲۷/۲ درصد) محبوب‌ترین است، پس از تاریخی (۱۵/۴ درصد) و روان‌شناسی (۱۴/۷ درصد). کتاب‌های الکترونیک (۱۸/۵ درصد) صوتی، جایگزین‌هایی برای قشر جوان



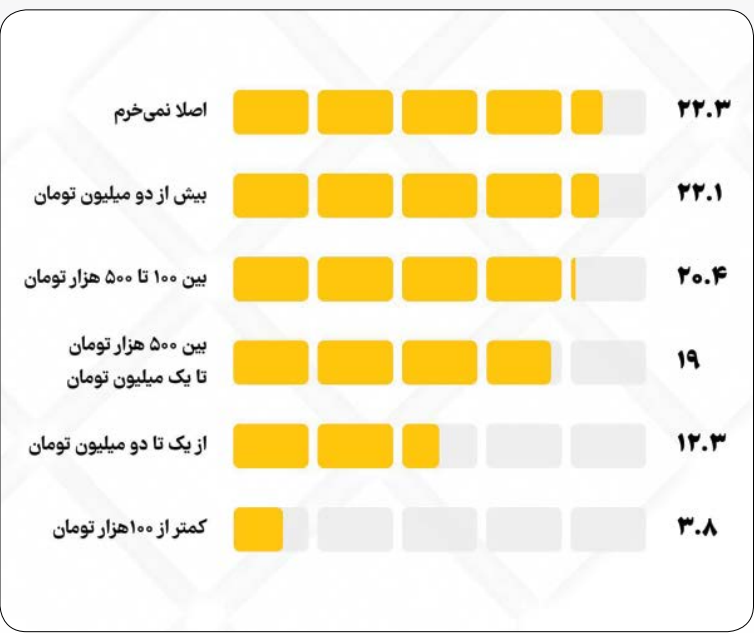
مطالعه کامل یک کتاب

از آخرین زمانی که کتابی را به‌طور کامل مطالعه کرده‌اید چقدر می‌گذرد؟



هزینه برای خرید کتاب

به‌طور میانگین چقدر از درآمدها در طول یک سال را صرف خرید کتاب می‌کنید؟



پدر، وکیل مردم؛ پسر، کارگر مردم

مرگ شرافتمندانه؛ روایتی از سوختن پسر نماینده در آتش نان حلال



خبر، بنددل آدم را یاره می‌کند؛ خبری کوتاه اما پر از غصه و ماتم، حکایت پریز شدن سیدامیراحمد عزیز، پسر جوان نماینده مردم شریف لردگان، جوانی که می‌توانست پشت میزهای راحت بنشیند اما غیرتش اجازه نداد؛ او نان بازوی خودش را خورد و در گرم‌گرم تلاش و روی ترک موتور، غریبانه سوخت و آسمانی شد. این، روایت تلخ سیدامیراحمد موسوی است؛ پسر سیدروح‌الله موسوی، نماینده مردم شریف لردگان. آن قدر بی‌ادعا که صاحب‌کارش تازه وقتی می‌خواست خبر سوختگی مرگبارش را به پدر بدهد، فهمید کارگر ساده‌اش پسر وکیل مجلس است.

این داغ، تنها بر دل یک خانواده ننشسته؛ انگار غم سنگینی است که بر شانه وجدان همه ما آوار شده است. سال‌هاست که دل‌مان از زخم واژه‌هایی مثل «آقازاده» و «ژن خوب» چرکین است؛ واژه‌هایی که بوی تلخ تبعیض و فاصله‌ها را می‌دهد. ما چشم‌مان عادت کرده بود که فرزندان مسئولان را همیشه بر صدر ببینیم، نه در حال عرق ریختن برای یک لقمه نان. برای همین، قصه پرخه پرسی که در هیاهوی ترافیک و گرمای طاقت‌فرسای آشنی‌خانه، شرافتمندانه کارگری می‌کرد، دیگری «خبر» نیست؛ بغضی است که راه گلو را می‌بندد. وقتی پدر داغدار، میان حق‌گریه‌های روز و داغ، آن جمله‌تکان‌دهنده را گفت، انگار کوهی از غم و غیرت را بر دوش مان گذاشت: «چون نمی‌توانستم برای جوانان دیگر کاری کنم، وجدانم اجازه نداد برای پسر خودم سفری شکی کنم.» این کلمات، مرثیه‌ای بود بر عدالتی که قرار بود پناهگاه این خانه باشد، اما حالا غریب مانده است. چقدر دردناک است که امروز، دیدن «شرافت» ما را شگفت زده می‌کند. افسوس که فاصله‌ها آن قدر عمیق شده که دیدن یک پدر مسئول اما پاک‌دست، و پرسی که آلوده رانت نشده، برای‌مان مثل یک معجزه شده است. این شگفتی ما، خودش روضه‌ای است شنیدنی از حال و روز جامعه‌مان. رفتن مظلومانه سیداحمد، با همه تلخی‌اش، مرهمی شد بر زخم کهنه بی‌اعتمادی‌های‌مان. به یادمان آورد که هنوز هستند مردانی که درد مردم محروم را نه از پشت شیشه‌های دودی و نگاه از بالا که با پوست و گوشت و با داغ جگرگوشه‌شان لمس می‌کنند. به ما ثابت کرد هنوز می‌توان بر صندلی قدرت تکیه زد اما سیر و سوسه‌هایش نشود پاک ماند. این سوگ باید آینه‌ای باشد پیش روی مدیران تا ببینند جدایی سرفره‌شان از مردم، چگونه برکت را از جامعه می‌گیرد. آقازادگی واقعی در اصالت ریشه دارد، نه در ژن. فرزند خلف آن نیست که بر جایگاه پدر تکیه زند، بلکه کسی است که عزت خود را در عرق جبین می‌جوید. ایران ما تشنه منش امیراحمد‌ها و دل‌تنگ پدران‌ای است که امانت‌داری را قربانی خویشاوندان نمی‌کنند. یادش گرمی که با پروازش، حرمت خدمت را زنده کرد و بذرا این امید را کاشت که این منش شریف و کمیاب، دوباره «قاعده» رفتار همه ما شود.

اسیر چادر نشینی و پراکندگی بود، اکنون به واسطه قرآن و رهبری پیامبر، به نظم شهری، قانون‌مند و متمدن دست یافت. انسانی که در مکتب پیامبر تربیت شد، انسانی بود که هم نماز می‌خواند و هم زمین را آباد می‌کرد؛ هم پایبند معنویت بود و هم دغدغه عدالت داشت؛ هم مراقب فردیت خویش بود و هم مسئولیت اجتماعی خود را جدی می‌گرفت. این پیوند میان ایمان، اخلاق و عمران، راز ماندگاری تمدن نبوی است؛ تمدنی که نه بر سنگ و کاخ، بلکه بر جان انسان‌هایی بنا شد که فهمیدند ایمان بدون مسئولیت اجتماعی، ناقص است. فرهنگی که پیامبر بنا کرد، فرهنگی را، رشد و کرامت بود. تمدنی که او پایه گذاشت، تمدن عدالت و انسان دوستی بود؛ و امروز، با گذشت قرن‌ها، هر جامعه‌ای که به اندازه‌ای هرچند اندک به معیارهای نبوی نزدیک شود، طعم پیشرفت، آرامش، مهر و برابری را بیشتر احساس می‌کند. آنچه پیامبر ساخت، تنها یک دوره تاریخی نبود؛ الگویی بود برای همیشه تاریخ.

بود. در حوزه اقتصادی نیز، پیامبر به‌گونه‌ای عمل کرد که آثار آن تا قرن‌های باقی ماند. با مبارزه با اسراف، تجمل‌گرایی و شهرت‌طلبی، الگوی تازه‌ای از زندگی سالم و پاکیزه را رواج داد. او «نقطه تعادل» میان نیازهای مادی و معنوی را برقرار کرد تا جامعه نه در دام مصرف‌زدگی بیفتد و نه به ریاضت‌گورتن دهد. پیامبر هم‌زمان که مردم را به تولید، کار و عمران تشویق می‌کرد، آنان را از فرو رفتن در تجملی که شکاف طبقاتی ایجاد می‌کند برحذر می‌داشت. این نگاه تعادلی، بعدها زیربنای شکل‌گیری اقتصادی شد که در آن نه انباشت ثروت ارزش بود و نه فقر فضیلت؛ بلکه عدالت، گردش سالم ثروت و مراقبت از محرومان معیار اصلی به شمار می‌آمد. اذل همین اندیشه بود که نهادهای اجتماعی مانند «وقف» شکل گرفت؛ نهادهای که به تدریج موتور محرک رفاه عمومی، حمایت از نیازمندان و تقویت همبستگی اجتماعی شد. شهرهای خسته از فقر، در سایه همین اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، دوباره رونق گرفتند و به کانون‌های فرهنگ و معرفت تبدیل شدند. جامعه‌ای که روزگاری

سیاسی مدینه را سامان دهد سراغ «ساختار ذهنی و اخلاقی» مردم رفت. او در جهانی که نزاع، افتخار و خون‌خواهی ابزار افتخار بود، فرهنگ گفت‌وگو و مصالحه را زنده کرد. قبیله‌محوری که قرن‌ها بر روان جمعی مردم سایه انداخته بود، با تأکید بر برادری ایمانی و کرامت انسانی فرو ریخت. در جامعه‌ای که دختران بی‌گناه زنده به‌گور می‌شدند، پیامبر زن رانته‌تها از حاشیه بیرون آورد، بلکه به رکن مهم خانواده و جامعه تبدیل کرد؛ تغییراتی که نه با اجبار، بلکه با روشنگری و اصلاح نگرش‌ها شکل گرفت. تمدن نبوی بر آن استوار بود که اخلاق در متن سیاست قرار گیرد. ایشان سیاست را از رقابت برای قدرت به عرصه‌ای برای خدمت به مردم تبدیل کرد. در مدینه، عدالت و همدلی پیوند خوردند؛ علم از انحصار گروهی خاص خارج شد و آموزش به وظیفه‌ای عمومی تبدیل شد؛ و ایمان از دایره فردیت به میدان مسئولیت اجتماعی ورود پیدا کرد. پیامبر جامعه‌ای ساخت که در آن، مسجد فقط محل عبادت نبود که مدرسه، مرکز مشاورت، پایگاه مدیریت بحران و بستر همبستگی اجتماعی

یادداشت دکتر محمد جواد نجفی، نویسنده و پژوهشگر

پیامبر (ص) و هنر ساختن تمدن: فرهنگی برای رهایی و رشد

فرهنگ و تمدنی که پیامبر اکرم (ص) بنا نهاد، صرفاً مجموعه‌ای از مناسک دینی یا قواعد اخلاقی نبود؛ طرحی جامع برای آزادسازی انسان از تارهای درهم‌تنیده جهل، تبعیض، خشونت و محرومیت بود. او در دورانی پا به عرصه گذاشت که جامعه عرب گرفتار شکاف‌های عمیق قبیله‌ای، پرخاشگری‌های موروثی، اقتصاد ناسالم، محرومیت زنان و الگوی زندگی خشن و بی‌رحمانه بود. در چنین فضایی، پیامبر نه با جنگ و زور، بلکه با تربیت، گفت‌وگو و ساختن الگوهای تازه از زندگی اجتماعی، بنای تمدنی نو را آغاز کرد؛ تمدنی که زیرساخت اصلی آن، انسان متحول بود. پیامبر، پیش از آن‌که ساختار

جهان

برف بازی خرس

یک بک خرس ساکن باغ وحش بروکفیلد شیکاگو در برف تازه‌باریده غلت زد و توجه بازدیدکنندگان را جلب کرد.

کیوارکد را اسکن کنید

سنگری

نمایش آسمانی

گروهی متشکل از ۱۰۴ چترپازاز ۲۰ کشور مختلف در بالای دریاچه ولز ایالت فلوریدا، یک سازه ستاره‌ای در هوا تشکیل دادند.

کیوارکد را اسکن کنید

جاذبه وحش

یک رویارویی عجیب

تصاویری از رویارویی یک سگ خانگی با یک مارمولک غول‌پیکر منتشر شده که در فضای مجازی بسیار فراگیر شده است.

کیوارکد را اسکن کنید

جهان

گران‌ترین تخم‌مرغ جهان

«تخم‌مرغ زمستانی» اثر فابریزه که به سفارش امپراتور سابق روسیه ساخته شده بود، قرار است با قیمت ۲۰ میلیون پوند، حراج شود.

کیوارکد را اسکن کنید

دور دنیا

قهوه تلخ

از سال آینده قهوه‌های جهان مزه‌شان تغییر می‌کند!

برزیل که سال‌ها بزرگ‌ترین تولیدکننده دانه نرم و معطر عربیکا بوده است، این‌روزها به سمت افزایش کشت روبوستا می‌رود. دلیل اصلی این تغییر، تأثیرات گسترده تغییرات اقلیمی است؛ خشکسالی‌های مکرر، کاهش بارش و افزایش دما شرایط را برای کشت عربیکا دشوار کرده؛ دانه‌ای که نسبت به گرما و بی‌ای بسیار حساس است. در همین حال، روبوستا مقاومت بیشتری در برابر گرما، خشکی و بیماری دارد. کشاورزان با دیدن کاهش محصول عربیکا در مناطق سنتی، تصمیم گرفته‌اند به تدریج به روبوستا روی بیاورند تا تولید و صادرات قهوه کشور حفظ شود.

چرا الگوی کشت تغییر کرد؟

در طول دهه گذشته، تولید روبوستا در برزیل بیش از

روبوستا تفاوت‌های آشکاری با عربیکا دارد. قوی‌تر و تلخ‌تر است، طعمش در مقایسه با عربیکا که ملایم و خوش‌عطرتر است، شدیدتر است. محتوای کافئین آن بیشتر است. مقاومت آن در برابر گرما، خشکی و بیماری بیشتر است. بازدهی آن (بر حسب محصول نسبت به زمین) تقریباً دو برابر عربیکا است، یعنی در واحد زمین، روبوستا محصول بیشتری می‌دهد. آن هم با هزینه کشت غالباً کمتر نسبت به خطر از دوبار برابری حدود ۴/۸ درصد در سال افزایش یافته است.

بازار جهانی قهوه، طعم و قیمت

این تغییر در ترکیب تولید برزیل می‌تواند روی بازار جهانی قهوه اثر قابل‌توجهی بگذارد زیرا برزیل سهم بزرگی در صادرات قهوه به‌ویژه عربیکا دارد و تغییر به روبوستا، می‌تواند طعم و عطر قهوه‌های صادراتی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر تولید روبوستا ادامه یابد و سهم آن افزایش پیدا کند، ممکن

است قهوه‌هایی که به بازارهای جهانی عرضه می‌شوند به‌ویژه قهوه فوری، اسپرسو و مخلوط‌ها طعمی قوی‌تر و تلخ‌تر داشته باشند. علاوه بر این، با توجه به بازده و مقاومت روبوستا، احتمالاً قیمت این دانه کمتر یا پایدارتر از عربیکا باشد و این مسأله می‌تواند مورد توجه مصرف‌کنندگانی باشد که قیمت برای‌شان مهم است.

تغییر اقلیم، تغییر فتنان قهوه

تصمیم برزیل مبنی بر افزایش کشت روبوستا نشان‌دهنده یکی از قابل‌توجه‌ترین واکنش‌های بخش کشاورزی به تغییرات اقلیمی است. کشاورزان در مواجهه با گرما و خشکی بیشتر مجبورند انتخاب‌های سختی کنند: یا با کاهش تولید عربیکا کنار بیایند، یا سرعاً گونه مقاوم‌تری برونند. با توجه به این‌که طعم و ویژگی روبوستا با عربیکا متفاوت است، مصرف‌کنندگان جهانی احتمالاً تغییر در نوع قهوه مصرفی‌شان را احساس خواهند کرد؛ قهوه‌ای تلخ‌تر با کافئین بیشتر و شاید بهای متفاوت.

